

بررسی شاخص‌ها و سطح‌بندی اولویت‌ها در ساماندهی و توانمندسازی

محله جنگلده، شهر علی‌آباد کتول (استان گلستان)

علیرضا زارع شاه‌آبادی - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه یزد
محمد سلیمانی مهرنجانی - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت معلم تهران
ابوالفضل زنگانه* - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد
مهندس احمد زنگانه - مربی گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت معلم تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۱۰/۲۳ تأیید نهایی: ۱۳۸۹/۲/۱۵

چکیده

محله جنگلده یکی از سه هسته روستایی شهر علی‌آباد کتول است که در زمان حاضر بر اساس معیارها و شاخص‌های موجود، به عنوان سکونتگاهی نامتعارف شناخته می‌شود. این محله اکنون در بعد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی و کالبدی با مشکلات عدیده‌ای مواجه است و به ساماندهی و توانمندسازی نیاز دارد. تحقیق حاضر با هدف اولویت‌بندی عوامل و شاخص‌های ساماندهی و توانمندسازی جنگلده انجام صورت گرفته است. روش این تحقیق پیمایشی است. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده و با تکنیک "تحلیل عاملی اکتشافی" مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس نتایج تحقیق، عامل تفریحی - درمانی در اولویت نخست، عامل مشارکتی - بهداشتی در اولویت دوم، عامل اجتماعی در اولویت سوم، عامل رضایتمندی در اولویت چهارم، عامل کالبدی در اولویت پنجم، عامل مذهبی - آموزشی در اولویت ششم، و عامل اقتصادی در اولویت هفتم است که باید در تدوین برنامه ساماندهی و توانمندسازی محله جنگلده در نظر گرفته شود.

کلیدواژه‌ها: سکونتگاه‌های نامتعارف، ساماندهی، توانمندسازی، محله جنگلده.

مقدمه

از انقلاب صنعتی تاکنون دو موج عمده و مهم در روند شهرنشینی جهان رخ داده است: موج اول، شهرنشینی ناشی از انقلاب صنعتی در اروپا و امریکای شمالی طی سال‌های ۱۷۵۰ تا ۱۹۵۰؛ و موج دوم، شهرنشینی شتابان در منطقه آسیا و آفریقا بوده که در آنها با فاصله‌ای کمتر از یک نسل، تعداد شهرنشینان به دو برابر افزایش یافته است (برک‌پور و اسدی، ۱۳۸۸، ۷-۸). گسترش شهرنشینی شتابان پیامدهای گوناگونی داشته و به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، شهرها را با مشکلات و مسائل و چالش‌های گوناگونی مواجه کرده است که سکونتگاه‌های نامتعارف (در اشکال مختلف) از جمله موارد مهم آنهاست. علاوه بر این، نسبت جمعیت سکونتگاه‌های فقیرنشین به جمعیت شهری در جهان در سال ۲۰۰۳ این وضعیت را آشکارتر می‌کند. در کشورهای پیشرفته این رقم ۴/۵ درصد، کشورهای در حال گذار ۹/۶ درصد، کشورهای در حال توسعه ۴۳ درصد، و در سطح جهان ۳۱/۶ درصد گزارش شده است (ایراندوست، ۱۳۸۸، ۲۹). مهار پیامدهای این‌گونه رشد شهری و چیرگی بر آن، از چالش‌های شهرنشینی امروز است که در ایران نیز به بحث‌ها و مجادلات علمی وسیعی دامن زده است.

شیوه‌های برخورد با بافت‌های نامتعارف شهری تاکنون بسیار متفاوت بوده‌اند و طیف نسبتاً گسترده‌ای را، از جابه‌جا کردن ساکنان (تبرداد، ۱۳۸۵) گرفته تا اجرای راهکارهایی در جهت ساماندهی و توانمندسازی (نوذری، ۱۳۸۵؛ زیاری و نوذری، ۱۳۸۸؛ زنگانه، ۱۳۸۸)، اجرای طرح CWS^۱ و اجرای مجموعه‌ای از طرح‌های بهبود شهری به منظور اصلاح و ارتقای زیرساخت‌ها و خدمات (ADB, 2004, 26^۲ و هارش، ۱۳۸۳، ۶۳)، دربرمی‌گیرد.

برخوردهای صورت گرفته با سکونتگاه‌های غیرمتعارف شهری را می‌توان عمدتاً در قالب چهار دیدگاه نظری دسته‌بندی و توجیه کرد: (۱) لیبرالی؛ (۲) رادیکالی؛ (۳) اقتصاد سیاسی؛ و (۴) وابستگی. این تحقیق در چارچوب دیدگاه لیبرالی انجام گرفته و از این رو کانون توجه آن، ساماندهی و توانمندسازی بوده است. بدین ترتیب در فرایند این تحقیق شناخت زمینه‌ها، عوامل و شاخص‌های مؤثر در ساماندهی و توانمندسازی محله جنگلده در کانون توجه قرار داشته است. بر این رویکرد نیز محققان ذی‌ربط انتقاداتی را وارد می‌شمارند و مهم‌ترین ضعف آن را عدم توجه به نقش ساختارهای اجتماعی - اقتصادی حاکم می‌دانند، چرا که این دیدگاه به ریشه‌یابی علت شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها نمی‌پردازد.

محله جنگلده یکی از سه هسته روستایی است که در اوایل قرن حاضر پیکره کالبدی و سازمان فضایی شهر علی‌آباد را به وجود آورده‌اند؛ لیکن گرایش شهر به دلایلی، عمدتاً به سمت دو هسته روستایی دیگر یعنی "علی‌آباد" و "خارکلاته" بوده و بافت‌های میانی و جدید شهر در واقع پیرامون آنها ساخته شده است. این به گونه‌ای است که جنگلده در مقایسه دو هسته دیگر از نظر ویژگی‌های کالبدی و ساختارهای اجتماعی - اقتصادی محلی عقب‌افتاده می‌نماید و در زمان حاضر در عرصه‌های مذکور با مشکلاتی مواجه است، از جمله اینکه ۱۱/۴ درصد سرپرستان خانوار بی‌سواد هستند، نرخ بیکاری در بین سرپرستان خانوار ۳۹/۵ درصد است و در ۴۱/۹ درصد خانوارها بیکار وجود دارد، ۴۴/۴ درصد سطح

محلّه از نظر وضعیت دفع فاضلاب مناسب نیست، ۸۰ درصد خانه‌های آن سنتی و بنایی‌ساز هستند و اصول مهندسی در ساخت آنها رعایت نشده است، و ۸۵ درصد معابر هم نیاز به تعریض و اصلاح دارند. هرچند شهر علی‌آباد کتول نمونه‌ای از شهرهای کوچک ایران است که مشخصات پایه‌ای مشترکی دارند و نتایج این پژوهش می‌تواند به شناخت بهتری از آنها کمک کند، با این حال تفاوت‌های تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و طبیعی نیز ویژگی‌ها یا مشخصه‌هایی را برای شهر علی‌آباد و محلّه جنگلده پدید آورده‌اند که در ساماندهی و توانمندسازی این محلّه باید مورد توجه قرار گیرند. با این چشم‌انداز از مسئله، مقاله حاضر تلاش کرده است به این پرسش اصلی پاسخ دهد که:

- مهم‌ترین شاخص‌ها و اولویت‌بندی آنها در ساماندهی و توانمندسازی محلّه جنگلده در شهر علی‌آباد کتول کدام‌اند؟

مبانی نظری

پرویز پیران با در نظر گرفتن ویژگی‌های نظام شهری ایران، بافت‌های نامتعارف امروزین شهرهای کشور را به سه دسته تقسیم کرده است: الف) حلبی‌آبادها یا حلب‌شهرها؛ ب) روستاهای درون شهری؛ و ج) سکونتگاه‌های زیر استاندارد (پیران، ۱۳۷۴). دیدگاه‌های نظری مربوط به بافت‌های نامتعارف را می‌توان در دو حوزه طبقه‌بندی کرد: ۱) دیدگاه‌هایی که به ریشه‌یابی و علل شکل‌گیری سکونتگاه‌های نامتعارف شهری می‌پردازند؛ و ۲) دیدگاه‌هایی که نحوه برخورد و اصلاح در آنها مد نظر است. رویکردهای متفاوتی نیز با این دیدگاه‌ها مطرح شده‌اند که رویکردهای لیبرال، رادیکال، اقتصاد سیاسی و نظریه وابستگی از آن دست‌اند (ایراندوست، ۱۳۸۸).

بحث اصلی این مقاله در چارچوب دیدگاه لیبرالی انجام گرفته است. لیبرالیسم به ریشه‌ها و علل شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها نمی‌پردازد و تنها حفظ و نگهداری و پذیرش وضع موجود تأکید می‌کند (شکوئی، ۱۳۸۳، ۲۴۸). از بین نظریه‌پردازان لیبرال می‌توان به سی. ترنر اشاره کرد که از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۲ با دو مقاله "سکونتگاه‌های شهری کنترل‌شده" و "چه کسانی در باب مسکن چه باید بدانند؟" به تحقیق در خصوص حاشیه‌نشینی و مسکن نامتعارف شهری می‌پردازد و معتقد است "سازندگان آلونک‌ها و سکونتگاه‌های نامتعارف، برنامه‌ریزان شهری و معمارانی هستند که در جوامعی که معماری و برنامه‌ریزی شهری رسمی به فکر آنها نیست، خود به فکر خویش هستند" (پیران، ۱۳۷۴). این همان چیزی است که به شکل‌گیری "دولت محدود" یا "دولت حداقل" از آن یاد می‌شود؛ یا به عبارتی، دولتی که مسئولیت‌های آن بسیار اندک‌اند و شهروندان خود مسئولیت‌های فردی یا اجتماعی‌شان را انتخاب و اعمال می‌کنند (قادری، ۱۳۷۹، ۲۵).

آرتور لوئیس، دیگر نظریه‌پرداز لیبرالیستی است که معتقد است نباید از ساکنان این سکونتگاه‌ها حمایت کرد، چرا که این امر باعث تشویق مهاجرت به این مکان‌ها می‌شود و فرهنگ فقر در آن شکل می‌گیرد (فکوهی، ۱۳۸۳، ۱۹۹). این وضع چرخه فقری را پدید می‌آورد که شامل انتقال فقر و محرومیت از نسلی به نسل دیگر از طریق ترکیب موقعیت خانوادگی و شرایط محلی و محلّه‌ای است و بی‌خانمانی یکی از نتایج آن است (Knox and Marston, 1998, 476-480). از جمله مکاتب برآمده از دنیای سرمایه‌داری و لیبرالیسم، مکتب تکامل‌گرای نوسازی است که بر بسیاری از مدل‌های فضایی

رایج تأثیر می‌نهد و زیربنای سیاست‌های شهری را در کشورهای در حال توسعه شکل می‌دهد (ایراندوست، ۱۳۸۸، ۵۴). از جمله مشکلات این سکونتگاه‌ها فقدان سیستم فاضلاب مناسب و ضعف شدید مالی و درآمد اندک ساکنان (محمدی و دیگران، ۱۳۸۷، ۸۵)، و نیز مشکل عدم امنیت مالکیت و تأمین خدمات است که در رابطه‌ای علت - معلولی باعث پیچیدگی اوضاع سکونتگاه‌های مذکور می‌شود (Magigi & Majani, 2006). از منظر ساختاری، عواملی مانند نابرابری در فرصت‌ها، توزیع نابرابر منابع (زیاری، مهدنژاد و پرهیز، ۱۳۸۸، ۳۹۸)، نابرابری و فقر اقتصادی و نادیده انگاشتن اقشار کم‌درآمد در برنامه‌ریزی‌ها (قرخلو، عبدی ینگه کند و زنگنه شهرکی، ۱۳۸۸، ۱۶-۱)، بزهکاری (کارگر، ۱۳۸۶، ۱۳۹-۱۴۹) و نظایر اینها معمولاً همواره نیز در ایجاد سکونتگاه‌های نامتعارف و هرگونه دخالت در بهبود آنها تأثیر دارند. برای بهبود شرایط زندگی و سکونت در این بافت‌ها توجه به پایداری در روند توسعه اجتماعی و محیطی (فرهودی، مهدوی و فراهانی، ۱۳۸۳، ۴۰) و استفاده از مشارکت شهروندان به همراه توانمندسازی، توجه به فرایندهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی شهر، توجه به اجتماعات محلی و حکمروایی خوب شهری (صرافی، ۱۳۸۷، ۷) و صرافی، توکلی‌نیا و استادی سیسی، ۱۳۸۸، ۶۵)، اعتلای نقش شوراها در تمام عرصه‌های مدیریتی (توکلی‌نیا و استادی سیسی، ۱۳۸۸، ۴۲) الزامی است. در این مسیر آگاهی از میزان رضایت شهروندان از محیط سکونتی آنها ضروری می‌نماید (رفیعیان، عسگری؛ و عسگری، ۱۳۸۸، ۵۶).

با توجه به این تجارب، به نظر می‌رسد که رویکرد مناسب در برخورد با این سکونتگاه‌ها در چارچوب دیدگاه لیبرالی همان "ساماندهی و توانمندسازی" است، چرا که ساماندهی و توانمندسازی می‌تواند همزمان با حفظ ساختارهای موجود، در جهت بهبود شرایط اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، فرهنگی و نظایر اینها رویکردی مؤثر و کارآ باشد. در نوشتارهای موجود، منظور از ساماندهی، سروسامان دادن و به نظم درآوردن ساختاری - عملکردی اجزای سیستم است، به گونه‌ای که بهبود عمومی آن سیستم را در پی داشته باشد و بیشتر بر ابعاد فیزیکی - کالبدی و خدمات شهری تأکید کند (کمانرودی، ۱۳۸۶، ۳۱). جنبه‌های مورد نظر توانمندسازی شامل ابعاد اقتصادی، انسانی و اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است (Luttrell et al., 2007). بدین ترتیب در کنار ارتقای کالبدی، توجه به جنبه‌های انسانی سکونتگاه‌های نامتعارف نیز ضرورت می‌یابد که رویکرد توانمندسازی پاسخگوی نیازهای این جنبه‌هاست. در مجموع، توانمندسازی بسط‌داری‌ها و توانایی‌های فقرا برای "مشارکت در"، "مذاکره با"، "تأثیر بر"، "کنترل" و "مسئولیت‌پذیری" نهادهایی است که بر زندگی‌شان تأثیر می‌گذارند (Narayan, 2002, 14).

روش تحقیق

این تحقیق به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را ۸۹۳ نفر از سرپرستان خانوارهای ساکن در محله جنگلده در سال ۱۳۸۷ تشکیل می‌دهند که ۱۲ درصد آنها (۱۰۵ نفر) به عنوان حجم نمونه تعیین گردیدند و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، اعضای نمونه انتخاب شدند و با استفاده از پرسشنامه، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شد.

محدوده مورد مطالعه در شمال شهر علی‌آباد کتول از توابع استان گلستان واقع شده است (شکل ۱). مدل به کار رفته در تحقیق حاضر، "تحلیل عاملی اکتشافی"^۱ است که رایج‌ترین شکل تحلیل عاملی به‌شمار می‌آید (کلاین، ۱۳۸۰، ۱۳۲). ویژگی عمده تکنیک تحلیل عاملی، تقلیل شاخص‌ها و متغیرهای زیاد به چند عامل است که هدف مشترک آنها ارائه دادن مجموعه‌ای از متغیرها برحسب تعداد کمتری متغیر فرضی (اولیه) است. این روش به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در نهایت آنها را در قالب عامل‌های عمومی معدودی دسته‌بندی می‌کند (کلانتری، ۱۳۸۵، ۲۸۲؛ اکبری و زاهدی کیوان، ۱۳۸۶، ۲۳۱). برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی، مبنی بر اینکه ماتریس همبستگی‌هایی که پایه تحلیل عاملی قرار می‌گیرد در جامعه برابر با صفر نیست، باید از آزمون بارتلت استفاده کرد (مرکز آموزش مدیریت دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی ساوه، ۱۳۷۹، ۷۵). آزمون بارتلت فرض "یکه بودن ماتریس ضرایب همبستگی" را به‌گونه‌ای آزمون می‌کند، که اگر آزمون بارتلت^۲ معنی‌دار نباشد (احتمال مربوط بزرگ‌تر از ۰/۰۵ باشد)، این امکان برای ماتریس همبستگی وجود دارد که "ماتریس یکه" باشد؛ و این امر بدان معناست که ماتریس مذکور برای تحلیل‌های بعدی مناسب نیست (جی. ان کیم و دیگران، ۱۳۸۱، ۹۲).

در این پژوهش با ۲۳ شاخص و با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی، به تحلیل شاخص‌ها در محله جنگلده شهر علی‌آباد کتول پرداخته شده است. برای تلخیص اولویت‌های محله جنگلده در درون چند عامل کلی، به عنوان اولویت‌های اصلی محله، متغیرهای مورد نظر وارد تحلیل عاملی شدند. میزان مناسب بودن داده‌ها با توجه به آماره KMO^۳ و آزمون بارتلت در جدول ۱ آمده است که حاکی از مناسب بودن متغیرها است.

جدول ۱. مقدار آماره KMO و آزمون بارتلت

۰.۶۲۳	KMO	
۸۵۳.۲۲۰	Chi-Square	Bartlett's Test of Sphericity
۲۷۶	df	
۰/۰۰۱	P	

با توجه به اینکه نتایج حاصل از آزمون KMO بیشتر از ۰/۶ است، همچنین وجود سطح معنی‌داری (۰/۰۰۱) با احتمال بیش از ۹۹ درصد، وجود همبستگی بین متغیرها تأیید می‌شود. در نتیجه، این ماتریس برای تحلیل‌های بعدی مناسب است.

محدوده مورد مطالعه

محله جنگلده قبل از شکل‌گیری شهر علی‌آباد کتول، به صورت روستایی در قسمت شمال‌غربی (در فاصله یک کیلومتری) مکان اولیه شهر علی‌آباد قرار داشته است. نام قدیم آن "جنگل‌تراش" بوده و در ادوار بعدی تبدیل به

1. Exploratory Factor Analysis
2. Bartlett's Test
3. Kaiser-Meyer-Olkin

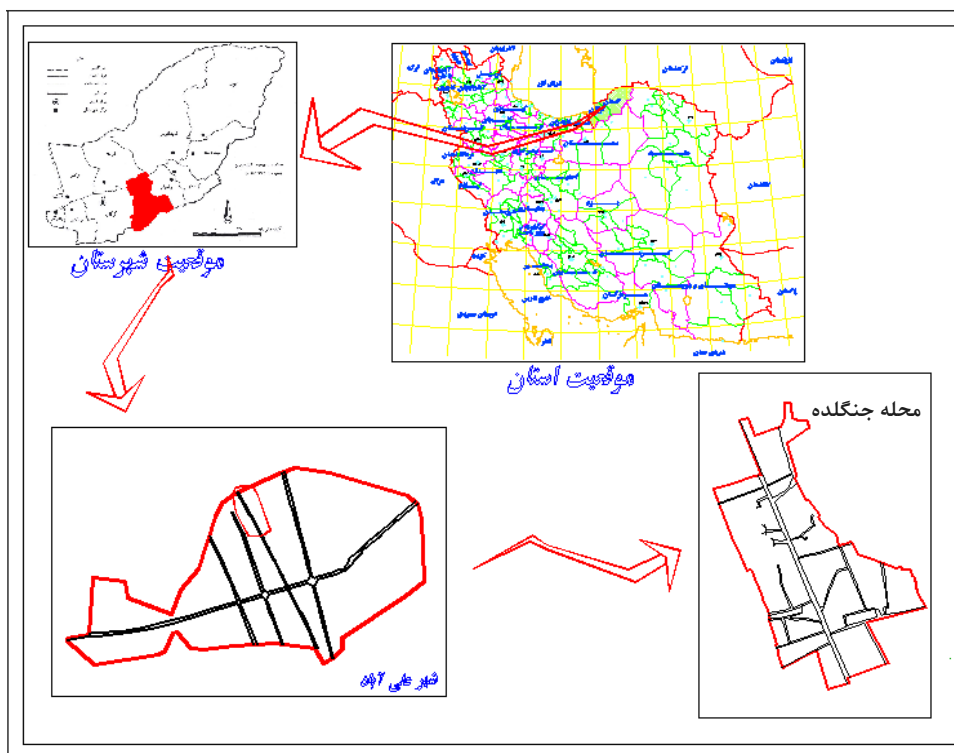
"جنگله" شده است. نخستین بار نام روستای جنگله در تاریخ ۱۲۳۰ هجری قمری درج شده و پس از آن در کتابچه نفوس مملکت استرآباد آمده است که در سال ۱۲۷۶ دارای ۳۰۶ نفر نفوس بوده و در سال ۱۲۹۶ هجری قمری به ۳۶۰ نفر رسیده است (ذبیحی، بی تا، ۳۱). قدیمی‌ترین طایفه‌ای که در روستای جنگله ساکن شده‌اند، معروف به "زنگانه"، ترکانی از بازماندگان مهاجران زنجان از عهد صفویه بوده‌اند. در دوره پهلوی تحت تأثیر امنیت ایجاد شده و دگرگونی‌های منطقه کنترل، جنگله نیز تحولات آرامی را آغاز کرد و از سال ۱۳۳۲ که در علی‌آباد کنترل شهرداری تأسیس شد، این روستا نیز در محدوده شهر قرار گرفت (زنگانه، ۱۳۸۸، ۱۴۹-۱۵۳). در سال ۱۳۸۵ جمعیت جنگله ۳۹۱۰ نفر با ۸۹۳ خانوار بوده، که به طور میانگین بعد خانوار ۴/۹ نفر و بار تکفل حدود ۴ نفر و تراکم جمعیت ۷۹/۸ نفر در هکتار بوده است. در بین سرپرستان خانوار نرخ بیکاری ۳۹/۵ درصد و ضریب فعالیت ۱۶/۱ درصد بوده است و ۱۱/۴ درصد از آنها بی‌سواد و ۱۸/۱ درصد آنها بیکار بوده‌اند. وضعیت اقتصادی ۳۰ درصد خانوارها را، خود سرپرستان خانوار، ضعیف گزارش کرده‌اند. تنها حدود ۳۵ درصد مسکن‌ها در محله دارای سند مالکیت هستند. ۸۰ درصد خانه‌ها سنتی و بناساز هستند، ۱۳/۳ درصد از خشت و گل ساخته شده‌اند، ۸۲/۹ درصد فاقد اسکلت و شناژبندی‌اند، و ۶۸/۵ درصد آنها نیاز به تعمیرات دارند. ۸۵ درصد معابر نیازمند تعریض و اصلاح‌اند. دیگر اینکه ۶۶/۷ درصد فاضلاب به صورت چاه جذبی دفع می‌شود. با توجه به جدول کاربری اراضی تهیه شده، این محله طبق معیارهای شهرسازی (سرانه طرح‌های شهری) دارای کمبودهای محسوسی است (جدول ۲).

جدول ۲. کاربری‌های وضع موجود در محله جنگله شهر علی‌آباد کنترل (۱۳۸۸)

گروه کاربری	نوع کاربری	جمعیت موجود: ۳۹۱۰ نفر		
		سطح	سرانه	درصد
آموزشی	مهد کودک	۴۶۸	۰/۱۲	۰/۱
	دبستان	۴۴۰۹	۱/۱۳	۰/۹۴
	راهنمایی	۳۳۶۴	۰/۸۶	۰/۷۲
	دبیرستان	۳۱۹۸	۰/۸۲	۰/۶۹
	حمام عمومی	۵۴۷	۰/۱۴	۰/۱۲
خدمات	ورزشی	۳۰۵۳	۰/۷۸	۰/۶۶
	پارک	۵۹۴	۰/۱۵	۰/۱۳
	مذهبی	۱۲۰۸	۰/۳۱	۰/۲۶
	کارگاه‌های شهری	۷۱۴۰	۱/۸۲	۱/۵۳
معابر	شبکه معابر	۱۲۷۸۶۱	۳۲/۷	۲۷/۴۸
مسکونی	مسکونی	۲۳۱۷۵۰	۵۹/۲۷	۴۹/۸
	مسکونی - تجاری	۳۸۴۲	۰/۹۸	۰/۸۲
	تجاری	۱۹۲۲	۰/۴۹	۰/۴۱
سایر	زراعی	۵۳۰۲۰	---	۱۱/۴
	دامداری	۶۲۴۷	---	۱/۳۴
	بایر	۱۶۷۷۲	---	۳/۶
جمع		۴۶۵۳۹۵	۹۹/۵۳	۱۰۰

منبع: طرح جامع علی‌آباد کنترل، ۱۳۸۸؛ و زنگانه، ۱۳۸۸، ۱۶۵.

در مجموع فضای لازم برای رفع نیازهای انواع کاربری‌ها در وضع موجود محله جنگلده بین ۶ تا ۸ هکتار است. بیشترین فضای مورد نیاز مربوط به گروه کاربری خدمات است که پارک و فضای سبز (۲ تا ۴ هکتار) در اولویت قرار دارد. در زمان حاضر محله جنگلده بر طبق سرانه طرح‌های شهری و از نظر فضای ورزشی (سرانه ۵ مترمربع) با کمبود ۹۸۱۴ مترمربع، مذهبی (سرانه یک مترمربع) با کمبود ۲۶۹۸ مترمربع، تجاری (سرانه ۳ مترمربع) با کمبود ۹۸۱۴ مترمربع و معابر (سرانه ۲۵ تا ۳۵ مترمربع) با کمبود ۸۹۹۳ مترمربع مواجه است.



شکل ۱. کروکی موقعیت محله مورد مطالعه

بحث و یافته‌ها

جدول ۳ نتایج تحلیل عاملی را با مقدار ویژه و بار عاملی هر عامل و درصد فراوانی تجمعی کل واریانس داده‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۳. عامل‌های به دست آمده از تحقیق و سهم هر یک از آنها

عامل‌ها	مقدار ویژه هر یک از عامل‌ها	درصد واریانسی که هر عامل نشان می‌دهد	درصد فراوانی تجمعی کل واریانس
۱	۴/۵۵۴	۱۸/۹۷۴	۱۸/۹۷۴
۲	۲/۹۸۷	۱۲/۴۴۶	۳۱/۴۲۰
۳	۱/۹۴۹	۸/۱۲۲	۳۹/۵۴۲
۴	۱/۶۵۱	۶/۸۸۱	۴۶/۴۲۳
۵	۱/۴۶۰	۶/۰۸۴	۵۲/۵۰۸
۶	۱/۴۱۰	۵/۸۷۶	۵۸/۳۸۴
۷	۱/۰۸۶	۴/۵۲۳	۶۲/۹۰۷

اطلاعات جدول ۳ نشان می‌دهد که در این تحلیل، اولین عامل ۱۸/۹۷ درصد، عامل دوم ۱۲/۴۴، عامل سوم ۸/۱۲، عامل چهارم ۶/۸۸، عامل پنجم ۶/۰۸، عامل ششم ۵/۸۷ و عامل هفتم ۴/۵۲ درصد واریانس داده‌ها را توجیه می‌کند. هفت عامل پیش‌گفته مجموعاً ۶۲/۹ درصد واریانس داده‌ها را تبیین می‌کنند.

جدول ۴. عامل‌ها، شاخص‌ها و بار عاملی هر شاخص در محله جنگلده علی‌آباد کتول

بار عاملی	شاخص‌ها	نام عامل
۰/۷۳۳	فضای سبز	تفریحی - درمانی
۰/۶۸۸	امکانات تفریحی	
۰/۶۵۳	امکانات درمانی	
۰/۷۵۷	احساس مسئولیت	مشارکتی - بهداشتی
۰/۷۴۹	جمع‌آوری زباله	
۰/۶۲۳	نظافت معابر	
۰/۸۱۷	خرید و فروش مواد مخدر	اجتماعی
۰/۷۹۲	اعتیاد به مواد مخدر	
۰/۶۸۳	دزدی	
۰/۶۰۴	بزهکاری	
۰/۷۰۷	رضایت از عملکرد شهرداری	رضایتمندی
۰/۷۰۳	رضایت از وضعیت محله	
۰/۶۶۰	رضایت از حمل و نقل عمومی	
۰/۵۱۷	رضایت از سایر دستگاه‌های خدماتی	
۰/۸۲۶	ساخت‌وساز با پروانه شهرداری	کالبدی
۰/۷۸۵	رعایت اصول فنی در ساخت مسکن	
۰/۷۴۴	امکانات مذهبی	مذهبی - آموزشی
۰/۷۲۹	امکانات آموزشی	
۰/۸۰	بیکاری	اقتصادی
۰/۷۶	مخارج ماهیانه خانوار	

با بهره‌گیری از تکنیک "تحلیل عاملی اکتشافی"، اولویت‌های محله جنگلده برای ساماندهی و توانمندسازی در عواملی بدین شرح مشخص شده است: اولویت نخست، تفریحی - درمانی؛ اولویت دوم، مشارکتی - بهداشتی؛ اولویت سوم، اجتماعی؛ اولویت چهارم، رضایتمندی؛ اولویت پنجم، کالبدی؛ اولویت ششم، مذهبی - آموزشی؛ و اولویت هفتم، اقتصادی.

نتیجه‌گیری

بالتر بودن بار عاملی، نشانه بهتر بودن آن عامل و نیز نشان‌دهنده اثبات روایی آزمون در سنجش متغیرهای دخیل در فرایند چالش‌های محله است. با توجه به جداول ۳ و ۴ نتایج این تحلیل بدین شرح است:

- ۱- اولین مقدار ویژه یعنی ۴/۵۵، مربوط به عامل نخست است که ۱۸/۹ درصد از واریانس داده‌ها را توجیه می‌کند. شاخص‌های دخیل در این عامل عبارت‌اند از: فضای سبز، امکانات تفریحی و امکانات درمانی. این عامل با توجه به شاخص‌های مربوط، با نام عامل "تفریحی - درمانی" تعریف شده است.
- ۲- مقدار ویژه دوم یا ۲/۹۸، مربوط به عامل "مشارکتی - بهداشتی" است که ۱۲/۴ درصد واریانس داده‌ها را توجیه می‌کند. شاخص‌های این عامل که موجب تعیین چنین نامی برای آن شده‌اند، اینها هستند: احساس مسئولیت در برابر محله، جمع‌آوری زباله و نظافت معابر و مانند اینها.
- ۳- عامل سوم یا عامل اجتماعی با مقدار ویژه ۱/۹۴، حدود ۸/۱ درصد از واریانس داده‌ها را توجیه می‌کند. این عامل با توجه به ترکیب شاخص‌های آن - یعنی خرید و فروش مواد مخدر، اعتیاد به مواد مخدر، دزدی و بزهکاری - به این نام تعریف شده است.
- ۴- در عامل چهارم که با عنوان "رضایتمندی" از آن یاد شده، مقدار ویژه ۱/۶۵ است که ۶/۸ درصد واریانس داده‌ها را توجیه می‌کند. رضایت از عملکرد شهرداری، رضایت از وضعیت محله، رضایت از حمل و نقل عمومی و رضایت از سایر دستگاه‌های خدماتی در این عامل قرار گرفته‌اند.
- ۵- عامل پنجم یعنی عامل "کالبدی"، شامل شاخص‌های ساخت‌وساز با پروانه شهرداری و رعایت اصول فنی در ساخت مسکن بوده و به همین دلیل به این نام تعریف شده است. مقدار ویژه این عامل ۱/۴۶ است که ۶/۱ درصد واریانس داده‌ها را توجیه می‌کند.
- ۶- عامل "مذهبی - آموزشی" با مقدار ویژه ۱/۴۱ که ۵/۸ درصد واریانس داده‌ها را توجیه می‌کند، به عنوان عامل ششم معرفی می‌شود. شاخص‌های این عامل که آن را تعریف کرده‌اند، عبارت‌اند از: امکانات مذهبی و امکانات آموزشی.
- ۷- عامل هفتم با مقدار ویژه ۱/۰۸، حدود ۴/۵ درصد واریانس داده‌ها را توجیه می‌کند و عامل "اقتصادی" نام‌گذاری شده است. شاخص‌های این عامل، بیکاری و مخارج ماهیانه خانوار هستند.

تفسیر نتایج

در تحقیقات پیش از این نیز به نتایج مشابه و مؤلفه‌هایی همانند با این پژوهش دست یافته‌اند. به عنوان مثال، محمدی و دیگران (۱۳۸۷) در تحقیق خود از عامل تفریحی با عنوان چالش رفاهی یاد می‌کند. شاخص‌های مشارکتی نیز در تحقیق صرافی، توکلی‌نیا و استادسیسی (۱۳۸۸) برای حفظ پایداری مورد پژوهش قرار گرفته‌اند. در تحقیقات مختلفی پرداختن به مسائل اجتماعی محور بوده است (کارگر، ۱۳۸۶ و صرافی، توکلی‌نیا و استادسیسی، ۱۳۸۸). ضرورت سنجش میزان رضایتمندی در این گونه سکونتگاه‌ها در پژوهش‌های قبلی نیز اشاره شده است (رفعیان، عسگری؛ و عسگری، ۱۳۸۸). شاخص‌های مذهبی و آموزشی نیز در تحقیقات قبلی با عناوین خدماتی و زیرساختی از آنها یاد شده است (Magigi & Majani, 2006).

در مورد عامل تفریحی - درمانی که به عنوان عامل نخست معرفی شده است، طبق نتایج تحقیقات پیشین، این عامل باید نقش کمتری در ساماندهی و توانمندسازی این‌گونه سکونتگاه‌ها در مقایسه با عوامل اجتماعی و اقتصادی داشته باشد. به نظر می‌رسد که این اختلاف در نتایج، به دلیل تفاوت در مکان‌های مورد بررسی باشد؛ چرا که تحقیقات پیشین درباره سکونتگاه‌های نامتعارف شهری انجام شده، که سابقه‌ای در منطقه نداشته‌اند، ولی تحقیق حاضر در مورد روستای ادغام‌شده‌ای در بافت شهر است. این محله‌ها که معمولاً با همان نام روستا شناخته می‌شوند (مستوفی‌الممالکی، ۱۳۸۰)، از نظر اجتماعی و اقتصادی دارای بنیان‌های انسجام‌یافته‌تری در قیاس با دیگر انواع سکونتگاه‌های نامتعارف شهری هستند و مسائلی که در آنها مطرح می‌شوند تفاوت ماهوی دارند. به همین دلیل از نظر آنها دسترسی به امکانات تفریحی و امکاناتی که سلامت آنها را تأمین کنند در اولویت قرار می‌گیرند. از زاویه دیگر، نتایج این مقاله نشان می‌دهد که دگرگونی‌هایی در نیازهای ساکنان سکونتگاه‌های نامتعارف شهری در حال رخ دادن است.

در اینجا با توجه به بررسی‌های انجام شده در مورد محله جنگلده و جایگاه آن در شهر علی‌آباد کتول، پیشنهادهایی با هدف ارتقای شاخص‌های مورد بررسی، در دو زمینه بدین شرح مطرح می‌شود:

ساماندهی

- (الف) بهبود شرایط کالبدی:** بهبود روزافزون در نوع مسکن و جانشین کردن کلیه واحدهای بازسازی‌شده؛ اختصاص وام‌های کم‌بهره برای مقاوم‌سازی، بهسازی و تعمیر خانه‌ها؛ تأمین زمین مورد نیاز برای ساخت مسکن و تشکیل تعاونی‌های مسکن برای حمایت از اقشار کم‌درآمد.
- (ب) تأمین فضاهای تفریحی (فضاهای باز و سبز شهری):** بسترسازی برای گذران اوقات فراغت شهروندان و برنامه‌ریزی تفریحی؛ افزایش سرانه‌های فضای سبز، فضای باز و فضاهای ورزشی و تفریحی در محله؛ ایجاد واحدهای آموزشی مورد نیاز؛ ایجاد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و ایجاد کتابخانه و مجتمع فرهنگی.
- (ج) حفظ محیط و ارتقای زیست (مسائل بهداشتی):** ایجاد سیستم از بین بردن زباله؛ پاک‌سازی و حصارکشی زمین‌های بایر؛ تشکیل انجمن بهداشت؛ ساماندهی جمع‌آوری زباله و استقرار سطل زباله در معابر اصلی؛ تأسیس پایگاه شهر سالم در محله و تکمیل و تعمیر حمام عمومی محله.
- (د) تأسیس مرکز بهداشتی - درمانی برای رفع نیازهای اولیه بهداشتی محله:** برگزاری دوره‌های ارتقای بهداشت خانواده، با هدف بهبود کیفیت بهداشتی و آموزش‌های مورد نیاز بهداشت خانواده و تشکیل انجمن حمایت از خانواده.

توانمندسازی

از آنجا که توانمندسازی اساساً به عوامل و شاخص‌های انسانی و حذف و کاهش محدودیت‌های مربوط می‌پردازد، این موارد پیشنهاد می‌شود:

(الف) بیکاری و فقر: ایجاد تعاونی‌های اشتغال و کارآفرینی؛ ایجاد تعاونی‌ها و کارگاه‌های تولیدی خانگی؛

برگزاری دوره‌های کارآفرینی و آموزش فنی و حرفه‌ای؛ راه‌اندازی فعالیت‌های کوچک و زودبازده اقتصادی و معافیت یا تخفیف عوارض و جریمه‌های شهرداری.

ب) مشارکت و استفاده از سرمایه اجتماعی: به حساب آوردن و مشارکت مردم و خودیاری آنها برای حل مشکلات.

ج) ظرفیت‌سازی و توانمندسازی فردی: برای ارتقای سطح زندگی در این محله، باید سطح توانایی‌های فردی بالا رود. برای توانمندسازی فردی در محله جنگلده پیشنهاد می‌شود:

با توجه به جوانی جمعیت محله و همچنین ساختار اقتصادی نامناسب آن، ایجاد برخی مراکز آموزشی متناسب با سطح فرهنگی ساکنان ضرورت دارد و آموزش مشاغل که به اقتصاد زنان خانوار کمک کند، سبب بالا بردن توان اقتصادی خانواده خواهد شد.

منابع

- Akbari, N. & M. Zahedi Keyvan, 2008, **Applying Classifying Methods and Multi-Indexes Decision-making**, Publish Shahr-dariha & Dehyariha Organization Press, Tehran.
- Asian Development Bank, 2004, **City Development Strategies to Reduce Poverty**, Philippine.
- Baft Shahr, 2009, **Master Plan of Ali Abad Katol**, Municipality of Ali Abad Katol.
- Barak Pour, N. & I. Asadi, 2009, **Urban Management and Governance**, 1st Edition, Art Faculty, Tehran University, Tehran.
- Fakohi, N., 2004, **Urban Anthropology**, Ney Press, Tehran.
- Farhoudi, R., M., Mahdawi & H., Farahani, 2004, **Measuring and Leveling the Social Sustainability of the Rural Settlements in the Markazi Province**, Geography (Scientific Journal of the Iranian Geography Association), New Period, Second Year, No. 2, pp. 39-52.
- Ghaderi, H., 2000, **Political Ideas of Twentieth Century**, Samt Press, Tehran.
- Gharakhlu, M., N. Abdi Yengi Kond & S. Zangeneh Shahraki, 2009, **Analysis in of Urban Sustainability Level in Informal Settlements (Case Study: Sanandaj)**, Human Geographical Research Quarterly, No. 69, pp. 1-16.
- Habitat, 1996, **An Urbanization world: Global Report of Human**.
- Harsh, E., 2004, **African Cities in Core of Poverty and Non-Regularization**, Translated by: Mehdi Dehghani, Shahr-dariha, Sixth Year, No. 64, pp. 61-64.
- Irlandost, K., 2009, **Informal Settlements and Myth of Marginality**, 1st Edition, Pardazesh and Urban planning Company (Depended on Municipality of Tehran), Tehran.
- Kalantari, Kh. 2006, **Data Processing Analysis in Socio-Economic Research**, Vol. 2, Sharif Press, Tehran.
- Kamanrodi, M., 2007, **Urban Decay Criterion and Intervention Scheme**, Andishe Iranshahr Quarterly, Vol. 2, No. 9 & 10, pp. 29-35.

- Karegar, B., 2007, **Marginality and Urban Security**, Geography (Scientific Journal of the Iranian Geography Association), New Period, Fifth Year, No. 14 & 15, pp. 139-149.
- Kim G. N. et al., 2002, **Introduction to Factor Analysis and Method of its Using**, Translated by: Sadegh Bakhtiyari & Hoshang Talebi, Isfahan University Press, Isfahan.
- Klien, P., 2001, **An Easy Guide to Factor Analysis**, 1st edition, Translated by: Dr. S. J. Sadrossadat & A. Minaei, Samt Press, Tehran.
- Knox, Paul L. & Sallie A. Marston, 1998, **Places and Regions in Global Context: Human Geography**, Prantice Hall, Upper Saddle River, New Jersey.
- Luttrell C. et al., 2007, **Understanding and Operational sing Empowerment**, Swiss Agency for Development and Cooperation SDC. www.poverty-wellbeing.net.
- Magigi, W. & B.B.K. Majani, 2006, **Community Involvement in Land Regularization for Informal Settlements in Tanzania: A Strategy for Enhancing Security of Tenure in Residential Neighborhoods**, Institute of Human Settlements Studies, University College of Lands and Architectural Studies (UCLAS), Dares Salam, Tanzania, Habitat International 30, pp. 1066-1081.
- Mahmodi, V., 2009, **Human Empowerment and Development**, Political & Economic Ettela'at (259-260), 23rd Year, Seventh & Eighth.
- Mohammadi, Y., M., Rahimian, M., H., Movahed Mohammadi, A., Torfi, 2008, **The Challenges of Marginal Settlements in Koohdasht County, Lorestan Province**, Human Geographical Research Quarterly, No. 66, pp. 85-97.
- Mostaufiolmamaleki, R., 2001, **The City and Urbanization on the Geographic Bed of Iran**, 1st Edition, Islamic Azad University Scientific Publication Center, Tehran.
- Movahed, A. & A., Taghizzadeh, 2009, **An Analysis of Informal Settlement Development Direction Using GIS and RS in Ahwaz**, Human Geographical Research Quarterly, No. 70, pp. 28-15.
- Narayan, D., 2002, **Empowerment and Poverty Reduction: A Sourcebook**, the World Bank, Washington, DC.
- Nozari, A., 2006, **Regularization and Strengthen Informal Settlement Ahwaz City: Manba-e-Ab District**, Supervisors: K. Ziary, Thesis for Master of Art in Geography and Urban Planning, Human Sciences Faculty, Geography Dep., Yazd University, Yazd.
- Piran, Parviz, 1994, **Marginalization in Iran: Theoretical Perspectives, with a View of Iran's Conditions**, Political & Economic Ettela'at, No. 87 & 88, pp. 96-101.
- Piran, Parviz, 1995, **Marginalization in Iran: Final Part**, Political & Economic Ettela'at, No. 95 & 96, pp. 125-129.
- Rabbani, R. & F. Vahida, 2006, **Urban Sociology**, 2nd Edition, Isfahan University Press, Isfahan.
- Rafieian, M., A., Asgary, Z., Asgarizade, 2009, **Units Residential Satisfaction Assessment of Navab Resident**, Human Geographical Research Quarterly, No. 67, pp. 53-68.
- Sarrafi, M., 2008, **Regularizing Informal Settlements in Light of Good Urban Governance in Iran**, Haft Shahr, Issue 23-24, pp. 4-13.

- Sarrafi, M., J., Tavakolinia & M., Ostadi Sisi, **City Development Strategy Based on Sustainable Development: The Case Study of Shabestar City**, Geography (Scientific Journal of the Iranian Geography Association) New Period, Seventh Year, No. 22, pp. 65-82.
- Shakoei, H., 2004, **New Perspectives in Urban Geography**, Vol. 1, Publish, Samt Press, Tehran
- State Management Training Center & Saveh Islamic Open University, 2008, **Measuring Scale of Management Method**, First Edition, State Management Training Center Press, Tehran.
- Tavakolinia, J., M., Ostadi Sisi, 2009, **An Analysis of Sustainability in Neighborhoods of Tehran Metropolis with Emphasis on the Assistant Council's Function-Case Studies: Evin, Darakeh, Velenjak**, Human Geographical Research Quarterly, No. 70, pp. 29-43.
- Tirdad, P., 2006, **A Study and Analyzing of Effective Factors in Forming and Developing the Prohibited Area In Pole Modiriat Tehran**, Supervisors: R. Mostaufiolmamaleki & K. Omidvar, Thesis for Master of Art in Geography and Urban Planning, Human Sciences Faculty, Geography Group, Yazd University, Yazd.
- Zabihei, M., No Time, **EsterAbad-Nameh**, Institution of Amir Kabir Press, Tehran.
- Zanganeh, A. 2009, **A Study of Regularization and Strengthening of Jangal-deh Location of Aliabad-e-Katol City**, Supervisors: Ali Reza Zare Shah Abadi, Thesis for Master of Art in Geography and Urban Planning, Human Sciences Faculty, Geography Group, Yazd University, Yazd.
- Ziari, K., H. Mahdnejad & F. Parhiz, 2009, **Fundamental and Techniques of Urban Planning**, International University of Chabahar.
- Ziari, k. & A. Nozari, 2009, **Regularization and Strengthen Informal Settlement Ahwaz City: Manba-e-Ab District**, Human Geographical Research Quarterly, No. 68, pp. 21-36.